

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: امر اول، مس خط قرآن، اسم الله و...

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲ اسفند ۱۳۹۹

مصادف با: ۸ رجب ۱۴۴۲

جلسه: ۷۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در اموری بود که بر جنب حرام می باشند. عرض شد که امر اول، مس خط قرآن، اسم الله و سایر اسماء و صفات خاص خداوند است.

در رابطه با منع محدث به حدث اکبر (جنب)، از مس اسم الله، روایت موثقۀ عمار بن موسی [عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا يَمَسُّ الْجُنُبُ دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا عَلَيْهِ اسْمُ اللَّهِ»^۱] ذکر شد و در مقابل آن، موثقۀ اسحاق بن عمار [عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُنُبِ وَالطَّامِثِ يَمَسَّانِ بِأَيْدِيهِمَا الدَّرَاهِمَ الْبَيْضَ، قَالَ: «لَا بَأْسَ»^۲] که بر جواز مس اسم الله؛ با حالت جنابت دلالت داشت، ذکر شد.

جمع بین موثقۀ عمار بن موسی و موثقۀ اسحاق بن عمار

عده ای گفته اند که جمع بین این دو روایت به این نحو است که منع از مس که در روایت موثقۀ عمار بن موسی آمده است بر کراهت حمل می شود، با این ادعا که مقتضای جمع عرفی بین این دو روایت این است که منع در روایت موثقۀ عمار بن موسی بر کراهت حمل شود.

ممکن است که گفته شود که اصلاً تعارضی بین این دو روایت نیست تا نیاز به رفع تعارض و جمع کردن بین آن دو باشد چون بین موضوع این دو روایت منافات است؛ به این معنا که موضوع مطرح شده در موثقۀ عمار بن موسی با موضوع مطرح شده در موثقۀ اسحاق بن عمار متفاوت است و وقتی موضوع متفاوت باشد، حکم نیز متفاوت می شود. بله، گاهی موضوع ها یک چیزند و حکم متفاوت می شود که در این صورت، متعارض می باشند، ولی اگر موضوع ها نیز متفاوت باشند، تعارضی در کار نیست و در بحث مورد نظر، نیز موضوع ها متفاوتند و به حسب مناسبات حکم و موضوع، حکم نیز متفاوت شده است و آنچه در خود این دو روایت آمده است، مؤید این مطلب است که تفاوت حکم از باب مناسبت بین حکم و موضوع است و محتمل است که همین مؤید، قرینه بر این مطلب باشد که تفاوت حکم مطرح شده در این دو روایت به خاطر تفاوت موضوع آن دو حکم می باشد لذا اصلاً تعارضی بین این دو روایت نیست.

مناسبت بین حکم و موضوع که باعث شده است که حکم مطرح شده در این دو روایت موثقۀ متفاوت باشند، این است که نهی در روایت موثقۀ اسحاق بن عمار اگر به عرف داده شود، عرف تردید نمی کند که متعلق آن نهی، مس لفظ جلاله الله است، یعنی مس

۱. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۸، ص ۲۱۴، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

خود لفظ الله بر جنب حرام است و این نهی، مطلق نیست تا شامل مسّ موضع خالی از لفظ الله در درهم و دینار نیز بشود، پس فقط مسّ لفظ الله بر جنب حرام است و مسّ بقیه مواضع دیگر از درهم و دینار را شامل نمی‌شود، پس روایت موثقه اسحاق بن عمار در حرمت مسّ لفظ الله؛ با حالت جنابت، ظهور دارد، بنابراین، موثقه عمار بن موسی که بر عدم جواز مسّ لفظ جلاله الله؛ با حالت جنابت دلالت دارد، اطلاق موثقه اسحاق بن عمار را که بر جواز مسّ درهم و دینار؛ با حالت جنابت دلالت دارد، تخصیص می‌زند؛ به این صورت که مسّ لفظ جلاله الله بر جنب حرام است، ولی مسّ سایر مواضع درهم و دینار بر جنب حرام نیست. پس اطلاق موثقه اسحاق بن عمار به وسیله موثقه عمار بن موسی، تخصیص می‌خورد. پس گویا سؤال از مسّ موضع خالی درهم و دینار از لفظ جلاله الله به خاطر این بوده است که لفظ جلاله الله در آنها نقش بسته است و سائل احتمال داده است که مسّ آن موضع خالی از لفظ الله نیز خلاف تعظیم و احترام باشد، نظیر نشستن بر روی صندوقی که قرآن در آن قرار دارد که نشستن بر روی آن از نظر عرف بی‌احترامی و هتک حرمت قرآن است.

قرینه بر این مطلب، اختلاف تعبیری است که در این دو روایت موثقه آمده است. در موثقه عمار بن موسی از لفظ «علی» استفاده شده است و در موثقه اسحاق بن عمار لفظ «علی» نیامده است. در موثقه عمار بن موسی لفظ «علی» آمده است و کلمه «علی» ظهور در استیلا دارد، به این معنا که گویا شخص جنب بر درهم یا دینار به طور کامل استیلا پیدا کرده است، یعنی به کلّ درهم یا دینار که لفظ جلاله الله در آن وجود دارد، دست زده است که در این صورت چون طهارت ندارد، مسّ آن درهم و دینار بر او حرام است چون مسّ درهم و دینار، مستلزم مسّ اسم الله است، اما در بعضی از اخباری که بر ترخیص مسّ درهم و دیناری که اسم الله در آن است، دلالت دارند، لفظ «علی» به کار برده نشده است، بلکه لفظ «فی» به کار رفته است و لفظ «فی» ظهور در اشتغال دارد، یعنی شخص جنب جایز است که به درهم و دیناری که مشتمل بر لفظ الله است، دست بزند و مشکلی ندارد چون دست زدن به درهم و دیناری که لفظ الله در آن هست، مستلزم دست زدن به خود لفظ الله نیست زیرا شخص می‌تواند قسمتی از درهم و دینار را لمس کند که لفظ الله ندارد لذا مسّ آن قسمت مشکلی ندارد و جواز ترخیص مسّ درهم و دینار مشتمل بر لفظ الله از این باب است. پس کلمه «علی» از یک سو و کلمه «فی» از سوی دیگر، قرینه بر تفاوت بین حکم مطرح شده در این دو روایت موثقه (موثقه عمار بن موسی و موثقه اسحاق بن عمار) می‌باشد، بنابراین، تعارضی بین این دو روایت موثقه وجود ندارد چون موضوع این دو روایت متفاوت است و حکم نیز به تبع موضوع، متفاوت شده است.

به علاوه اینکه، بعضی از اخبار [، هرچند ضعیف السند] که بر جواز مسّ درهم و دینار مشتمل بر لفظ جلاله الله دلالت دارند نیز مطلب مذکور را تأیید می‌کنند که روایت ذیل از جمله آن اخبار است؛

عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الْجَنْبِ يَمَسُّ الدَّرَاهِمَ وَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ وَ اسْمُ رَسُولِهِ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ رِيْمًا فَعَلْتُ ذَلِكَ»^۱.
اینکه امام صادق (ع) فرموده است که من با حالت جنابت درهمی را که در آن اسم خدا و اسم رسول خدا (ص) بوده است، مسّ کرده‌ام به این معنا نیست که آن حضرت (ع) با حالت جنابت، اسم خدا و اسم رسول خدا (ص) را که بر درهم نقش بسته بوده است، مسّ کرده است، چون حتی اگر در این صورت، مسّ اسم خدا و رسولش حرام نباشد، مسّ آن؛ با حالت جنابت از جانب امام معصوم (ع)، خلاف تعظیم و احترام است، پس منظور، این است که آن حضرت (ع) موضعی را که اسم خدا و رسول خدا (ص)

در آن نبوده است، مسّ کرده است. پس ترخیص در مسّ درهم و دینارِ مشتمل بر لفظِ الله؛ با حالت جنابت، بر مسّ موضعی حمل می‌شود که لفظِ جلاله الله در آن موضع نیست.

آنچه تا کنون بیان شد در رابطه با حرمت مسّ لفظِ جلاله الله بر جنب بود و اصحاب بر این مطلب تسالم دارند. دلیل حرمت، موثقه عمار بن موسی بود که به آن اشاره شد. البته بعضی از متأخرین گفته‌اند که مسّ لفظِ جلاله الله بر جنب حرام نیست، بلکه مکروه است.

«الحمد لله رب العالمین»